

تصویرسازی خاقانی از
القاب و صفات و خصوصیات امام علی علیه السلام

دکتر عباس ماهیار ■
استاد دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده:

نویسندگان و شاعران مسلمان بنا به معتقدات دینی، نوشته‌ها و سروده‌های خود را به نام الله آغاز می‌کنند، سپس به ستایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌پردازند و پس از آن یاران نبی مکرم را مدح می‌کنند. خاقانی نیز پاره‌ای از سروده‌های خود را با یاد خدا و بیان توحید آغاز کرده پس از آن ثنای مصطفی صلی الله علیه و آله گفته و در مرحله بعدی به مدح چهار یار پرداخته است. بررسی سروده‌های خاقانی نشان می‌دهد که ستایش یاران رسول به صورت منفرد در شعر او دیده نمی‌شود بلکه شاعر صفات و خصوصیات خلفا را برای ابداع مضمون‌ها استخدام کرده است و در این میان سهم امیرالمؤمنین بیشتر از دیگران بوده است، با این توضیح که شاعر از اسم و کنیه و القاب شیر یزدان برای ابتکار مضامین بهره جسته و غالباً با یاری تشبیه و یا استعاره و یا کنایه تصویرهایی آفریده است که یکی از طرفین تشبیه یا استعاره ممدوحان شاعر بوده است. این مقاله به این اشارات پرداخته و احیاناً اگر مشکلاتی در شعر بوده است برای پژوهندگان توضیح داده است.

کلیدواژگان: امام علی علیه السلام، ابوتراب، میرنحل، حیدر، باب علم، مظهر مواسات و اخلاص.

فصلنامه علمی «نگار» شماره ۱۳۸۰، شماره اول، پاییز ۱۳۸۰

این بیت در مدح یکی از سرداران است و خاقانی مدعی است که پادشاهی به
تزلزل گراییده‌ی آل یزید لب به سخن گشوده و او را حیدری دین طراز نامیده است:
شاهها معظمًا ملک الشرق خسروا تو حیدری و حرزکیان ذوالفقار تست^۷
(همان: ۸۱۸)

این بیت مطلع قطعه‌ای است که شاعر در آن شروان شاه را حیدر و شمشیر او را
ذوالفقار، حافظ چشم زخم خوانده است.

۲. ابوتراب

ابوتراب یکی از کنیه‌های امیرالمؤمنین است. درباره‌ی مکنی شدن امام علی علیه السلام
به ابوتراب گفته‌اند که امیرالمؤمنین در مسجدی و یا سایه‌ی درخت خرمایی^۸ به
خواب رفته بود و ردای آن حضرت از کتفش به کنار رفته و تن امیرالمؤمنین خاک
آلوده شده بود تا آن که رسول خدا بالای سر او حاضر شده و خاک از سرتن
مبارکش پاک کرده و با خطاب «قم یا اباتراب» (اربلی: ۹۱) او را از خواب بیدار کرده
بود. و از آن به بعد ابوتراب در شمار یکی از کنیه‌های امیرالمؤمنین در آمده است.^۹
(همان، ۹۰) تصویرسازی خاقانی از کنیه‌ی امیرالمؤمنین مبتنی بر هم آهنگی‌های
لفظی و ابداع جناس است:

سحر حلال من چو خرافات خود نهند آری یکی است بولهب و بوتراشبان

(همان، ۳۲۹)

ای ذوالفقار دست هدی زنگ گیر زنگ کان بوتراب علم به زیر تراب شد

(همان، ۱۵۷)

نظام کشور پنجم اجل رضی الدین رضای ثانی ابونصر بوتراب رکاب

(همان، ۴۹)

۳. میر نحل یا امیر النحل

میرنحل = یعسوب و یعسوب هر پیشوایی است که هم‌جنسان خود را راهنمایی
می‌کند و این معنی در نحل زنبوران که تخم ریز زنبوران است غلبه دارد و چون
زنبوران به غریزه‌ی طبیعی به دنبال او پرواز می‌کنند، او را امیرالنحل می‌گویند.
(جاحظ: ۳۲۸)

لقب امیرالنحل برای امیرالمؤمنین از معنای یعسوب مستفاد است که روایت شده است که «انّ النبی قال لعلی (رض) انت یعسوب المؤمنین و المال یعسوب الکفار»^{۱۰} نبی اکرم ﷺ امیرالمؤمنین علی را فرمود: تو پیشوای مؤمنانی و مال پیشوای کافران یعنی مؤمنان به تو روی می آورند و کافران به سوی مال می گردند. نیز گفته اند که امیرمؤمنان را به سبب سبقت در اسلام و جز آن یعسوب الدین گفته اند.^{۱۱}

خاقانی یک بار در ستایش حضرت مصطفوی در غزوه بدر حضرت علی (علیه السلام) را امیر النحل خوانده و مضمون بیت زیر را ابداع کرده است:

در علمش میرنحل نیزه کشیده چون نحل غرقه‌ی صد نیزه خون اهل طعان و ضراب
(همان، ۴۴)

بار دیگر به هنگام زیارت کاروان حاجیان از مشهد امیرالمؤمنین از کلمه امیرالنحل برای ابتکار مضمون استفاده کرده است:

پس به کوفه مشهد پاک امیر النحل را همچو جیش نحل جوش انسی و جان دیده اند
بس پلنگان گوزن افکن که چون شاخ گوزن پشت خم در خدمت آن شیرمردان دیده اند
(همان، ۹۰)

۴. اسدالله، شیر یزدان

اسدالله = شیر یزدان از القاب امیرالمؤمنین است. شجاعت امام (علیه السلام) موجب شده است که جامعه‌ی اسلامی او را شیر خدا بنامد:
من خاک خاک او که ز تبریز کوفه ساخت خاک‌ی که اندرو اسدالله کند کنام
(همان، ۳۰۳)

و در بیت زیر اسدالله را شیر یزدان گفته است:
رانده ز آنجا تا به خاک حله و آب فرات موقف الشمس و مقام شیر یزدان دیده اند
(همان، ۹۰)

منظور از «آنجا» در این بیت «مداین» است که در بیت قبلی مذکور است.
حله: شهری است آبادان و در سر راه بغداد به کوفه واقع است و به حله‌ی بنی مزید مشهور است. سیف‌الدوله صدقه بن منصور^{۱۲} (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۵۱ و ۴۴۰) (۴۷۹ - ۵۰۱ هـ) در سال ۴۹۵ هـ حله را که منزل گاهی بیش نبود به شهری تبدیل کرد و پلی از کشتی‌ها بر روی رودخانه‌ی فرات بست و اندک اندک مسیر کاروان‌های حج

صلوات مخصوصه را بر کعبه ابراهیم و عیسی و محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین

به سمت حله تغییر یافت (گای: ۷۷)، موقف الشمس: جایی در کنار نهر صراة^{۱۳} (همان، ص ۱۷۳) که از شعبات رود فرات است. روایت کرده‌اند که امیرالمؤمنین در یکی از سفرهای خود به هنگام غروب به کنار نهر صراة رسید و چون بعضی از یاران آن حضرت پیش از غروب مجال گذشتن از رود را پیدا نکردند از اضطراب فوت وقت نماز آزرده و اندوهگین شدند، امیرالمؤمنین دعا کرد تا خورشید در جای خود متوقف شد و یاران مراسم نماز به جای آوردند. علمای خاصه این واقعه را یکی از معجزات امیرالمؤمنان شمرده‌اند. (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۸۹، اربلی: ۳۸۹؛ زواره‌ای: ۳۸۹)

خاقانی افزون بر این دو لقب برای امیرالمؤمنان، ترکیبات کنایی و صفی بسیاری مانند: شیر مردان، شیر غاب، شیر شرزهی غاب، شیر وغا، سرخ غضنفر و جز آن را که معنایی مترادف با اسدالله دارند ابداع کرده و از آن‌ها مضمون ساخته است:

بس پلنگان گوزن‌افکن که چون شاخ‌گوزن پست‌خیم در خدمت آن شیرمردان دیده‌اند

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۹۱)

همبر شیر غاب دید ستند^{۱۴}

به پیر کشته‌ی غوغا و شیر شرزهی غاب

(همان، ۵۱)

در بیشه‌ی صولت چو علی شیر وغابی

از نسل فریدونی نزل آل عبابی

(همان، ۴۳۷)

سگ بیدار کھف‌را در خواب

به یار محرم غارویه میر صاحب‌دل

در کشور دولت چو نبی شهر علمی

مانند علی سرخ غضنفر تویی ارچه

۵. رزم علی (ع)

شیر بیشه‌ی شجاعت به نوشته‌ی مورخان و سیره‌نویسان در همه‌ی غزوات رسول خدا به جز غزوه‌ی تبوک همراه وفادار پیغمبر اسلام بود او در غزوه‌های بدر و أحد و خندق و خیبر رشادت‌های تحسین‌برانگیز از خود به نمایش گذاشت در بدر ولیدبن عقبه (سیره رسول‌الله، ص ۵۶۱) و در خندق عمروبن عبدود (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۱۸۱) و در خیبر مرحب خیبری (زواره‌ای: ۲۸۶) را که هر یک از نامی‌ترین دلاوران عرب بودند به قتل رسانید (طبری، ۱۹۶۰: ۷۲-۸۸) و در نبرد با مارقین بیشتر خوارج را به هلاکت

رسانید و در غزوه‌ی احد چنان پایداری و مواساتی از خود نشان داد که از ملکوت آسمان ندای «لا سیف الا ذوالفقار و لافتی الا علی» به گوش‌ها رسید. (رازی: ۳۹-۴۳)
خاقانی از این شجاعت‌ها و یاری کردن‌های امام علی علیه السلام تصویرهای مختلف به دست داده و فداکاری آن حضرت را در غزوه‌ی بدر چنین ترسیم کرده است:

در علمش میر نحل نیزه کشیده چون نخل غرقه‌ی صد نیزه خون‌اهل طعان و ضراب
چون الف سوزنی نیزه و بنیاد کفر چون بن سوزن به قهر کرده خراب و بیاب
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۴)

و در بیت زیر ضربتی را که امیرمؤمنان در روز خندق بر عمرو بن عبدود وارد آورده دست‌مایه‌ی ساختار مضمون بیت قرار داده است:

تارک ذوالخمار بدعت را ذوالفقار تو لاجرم بشکافت

(همان، ۴۷۰)

ذوالخمار: جنگ آوری که صورت خود را با روی بند می‌پوشاند و عازم نبرد می‌شود و مراد از ذوالخمار در این بیت عمرو بن عبدود است، چه سیره نویسان گفته‌اند که او با علامت و نشانه بیرون آمده بود تا شناخته شود و مؤلف کشف الغمه نیز نقل کرده است که عمرو بن عبدود بر تن خود علامتی نصب کرده بود تا نشان جایگاه و شهامت او باشد (اربلی: ۲۶۵). لفظ ذوالخمار در قصیده‌ی سنایی نیز اشاره‌ای واضح به او دارد:

عالمی پر ذوالخمار است از خمار خواجگی ای دریغا در جهان یک حیدر کرار کو؟

(همان، ۵۷۴)

در بیت زیر نیز شروانشاه در شجاعت به امام علیه السلام تشبیه شده است:

ای چراغ یزیدیان^{۱۵} که دلت چون علی خبیر ستم بشکافت

(همان، ۴۷۰)

و در اغراقی شاعرانه شدت ضربت امیرمؤمنان را در جنگ خبیر با حدت سنان مدح در برابر هم گذاشته و گفته است:

گر تیغ علی شکافت فرقی او البرز از سنان شکافت

(همان، ۵۱۲)

و در بیت زیر شجاعت امام علیه السلام در جدال با مارقین را دست‌مایه مضمون بیت

ساخته است.

آنست علی رایتی قاتل هر خارجی و آنست قباد آیتی قانع هر مزدکی
(همان، ۹۲۷)

۶. ذوالفقار علی علیه السلام

ذوالفقار (به فتح فاء) به معنی دارنده‌ی فقرات است و فقره هر یک از مهره‌های پشت را گویند که ستون فقرات را تشکیل می‌دهند و گفته‌اند: چون بر پشت ذوالفقار خراش‌های پست و هموار وجود داشته از این روی آن را ذوالفقار می‌گفتند و این که بعضی‌ها گمان برده‌اند ذوالفقار دارای دو تیغه و یا دو زبانه بوده است اصلی ندارد و ساخته و پرداخته ذهن پاره‌ای از متأخران است. درباره‌ی ذوالفقار در کتاب‌های سیره و تاریخ اقوال مختلف نقل شده است؛ بعضی‌ها آن را شمشیر رسول خدا گفته‌اند (قشیری: ۲۷۹، و ابن‌ماجه: ۹۳۹) و روایت کرده‌اند که در جنگ احد امام علی علیه السلام ضربتی بر سر کافری زد که از سپر تا سینه‌ی او را شکافت اما شمشیر امام نیز شکست، صورت حال پیش رسول خدا گفت، رسول خدا شمشیر خود را «ذوالفقار» به امیر مؤمنان داد از دل‌آوری‌هایی که امام علی در میدان نبرد نشان کرد زمین و زمان را شکفت شدند و ندای «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی» از آسمان به گوش رسید. (ابن اثیر: ۱۵۴)

و نیز نقل شده است که ذوالفقار به منبه‌بن حجاج سهمی تعلق داشته که در جنگ بدر در ضمن غنائم جنگی به دست مسلمانان افتاد و به رسول خدا رسید (ابن ماجه: ۹۳۹، و قشیری: ۲۷۹). جماعتی گفته‌اند که ماده‌ی اصلی ذوالفقار از آهنی بوده است از بتی در یمن که مورد پرستش مردم بوده و امیرالمؤمنین آن را شکسته و نزد رسول خدا آورده است و از آن دو شمشیر ساخته شده که یکی از آن دو ذوالفقار بوده است (رازی: ۴۱). پاره‌ای از مفسران نیز در تفسیر آیه‌ی «و انزلنا الحديد فیه بأس شدید» (حدید: ۵۷، ۲۵) گفته‌اند که منظور از آهن در این آیه ذوالفقار است (همان). و جمعی را نیز عقیده بر این است که ذوالفقار شمشیر بهشتی است و جبرئیل آن را از بهشت آورده و نزد رسول خدا گذاشته تا در اختیار امیرالمؤمنین قرار بگیرد.

خاقانی از همین روایت به ابتکار مضمون پرداخته است:

دورها بوده در زمین بهشت تیغ حیدر برادر تیغش

مقدمه‌ی «الکرامات و معجزات» در «تاریخ اسلام» شماره اول، شماره اول، پانز ۱۳۸۵

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۴۸۷)

و در بیت زیر با استفاده از روایتی که اصل ذوالفقار آهن بتی بوده است با ترک ادب شرعی اصل گوهر شمشیر حیدری را بر گرفته از نعل اسب ممدوح شمرده است:

آفتاب دولت سلجق که نعل رخس اوست اصل آن گوهر کزو شمشیر حیدر ساختند

(همان، ۱۱۲)

در باقی مانده‌ی تصویرها تیغ ممدوحان خاقانی به طریق استعاره به ذوالفقار مانند شده و ذوالفقار نام گرفته‌اند:

مصطفی عزم و علی رزمی که هست ذوالفقارش پاسبان مملکت

(همان، ۴۹۳)

از گهر یزیدیان زاده علی شجاعتی کز سر ذوالفقار او زاده قضای راستین

(همان، ۴۶۲)

چون حیدر ذوالفقار برکش تا چرخ جهودسان نجبند

(همان، ۵۱۳)

توضیحاً باید افزود که متوکل خلیفه‌ی عباسی در سال ۲۳۵ هـ ق فرمان داد که برای متمایز شدن مسلمانان از کلیمیان و مسیحیان ذمی، نصاری زنار بر کمر بندند و جماعت یهودیان غیار بر کتف خود بدوزند. شاعر خورشید را عیار جامه‌ی کبود فلک تصور کرده و آسمان به سبب داشتن چنین ردایی چرخ جهودسان گفته است و نیز باید گفت که دوختن غیار بر ردای آسمان در شعر خاقانی بی سابقه نیست:

گردون یهودیانه به کتف کبود خویش آن زرد پاره‌بین که چه پیدا برافکند

(همان، ۱۳۳)

زرد پاره استعاره از خورشید است که گردون مانند جهودان بر کتف کبود و خویش دوخته است.

۷. علم علی علیه السلام

امام علی علیه السلام تعلیم یافته‌ی مصطفی است صلی الله علیه و آله یعنی برخی از آنچه به صورت وحی بر مصطفی نازل شده است بر سینه‌ی او ریخته شده است و حدیث «انا مدینه العلم و علی بابها» رسول خدا فرمود که من شهر علمم و علی در آن است، زبان زد

خاص و عام است. شاعر در بیت زیر ممدوح خود خاقان اکبر را با ترک ادب شرعی - که در سروده‌های ایام جوانی او بسیار دیده می‌شود، به رسول خدا ﷺ و علی مرتضیٰ علیه السلام تشبیه کرده و او را دُرّ دریای عقول و دَر مدینه‌ی علم یاد کرده است:

زیده‌ی دور عالمی ز آن چو نبی و مرتضی بحر عقول رادری شهر علوم رادری
(همان، ۴۲۴)

و در بیت زیر المقتفی (۵۳۰-۵۵۵ ه.ق) را خلیفه‌ی عبا رای بوبکر سیرت و علی علم گفته است:

بوبکر سیرت است و علی علم و تا ابد من در دعا بلالش و در حکم قنبرش
(همان، ۲۲۱)

۸. کرم و سخای علی

شهرت امام علی علیه السلام به رادمردی و بخشش، بی‌نیاز از ذکر و توصیف است و اقرار علمای عامه و خاصه به شأن نزول آیات زیر برای بیان کرامت و سخاوت او بسنده است.

الف: **أَنَا وَلِيكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ** (مانده «۵» ۵۵) خداوند کارساز و یار شما و همدم شما الله است و رسول وی و پس مؤمنان، آنان که نماز به پای می‌دارند و زکات مال می‌دهند و ایشان پشت خم دادگان در رکوع. در روایات آمده است که آن ساعت که این آیه نازل شد، جمعی از اصحاب در نماز بودند و شماری نیز تمام کرده بودند و بعضی در رکوع بودند و قومی در سجود، رسول خدا در آن میان درویشی را دید که در مسجد می‌گشت و سؤال می‌کرد. او را پیش خواند و فرمود: «هل اعطاك احدًا شيئاً؟» آیا کسی چیزی به تو بخشید؟ گفت: بلی آن جوان مرد که در نماز است انگشتری سیمین به من داد. پرسید در چه حالی بود؟ گفت: در حال رکوع، اشاره به انگشتری کرد و من انگشتری از انگشت او در آوردم و چون به آن جانب نگریستند، امیرالمؤمنین علی مرتضی بود. (میدی: ۱۵۲)

و در حدیث ابن عباس آمده است:

«تصدق علی بخاتمه و هوراکع فقال النبى ﷺ للسائل: من اعطاك هذا الخاتم؟ قال ذلك؟ الراكع فانزل الله فيه «أنا وليکم الله و رسوله» (علی المتقی: ۱۰۸)

ب: و يُطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً (دهر «۷۶» ۸)؛ (و طعام می کنند به سبب دوستی او درویش و یتیم و اسیر را).

علمای عامه و خاصه به اتفاق گفته اند: آیه در شأن امیرمؤمنان و خاندان او نازل شده است و نقل کرده اند که حسنین علیهما السلام هر دو بیمار شده بودند. رسول خدا با جماعتی از صحابه به عیادت ایشان رفتند و گفتند: یا اباالحسن برامید عافیت و شفای فرزندان خود نذری کن. امام نذر فرمود که به شکرانه شفای آن دو تقریباً الی الله روزه بگیرد. حضرت فاطمه و کنیز او نیز چنین نذری کردند. پس از بهبود حسنین علیهما السلام امام سه صاع گندم خرید تا حضرت زهرا هر روز از یک صاع آن نان تهیه کند. چون روز اول بر سر خوان نشستند درویشی بر در ایستاد و سؤال کرد. بزرگواران غذا به سائل دادند. روز دیگر چون بر سر سفره افطار نشستند، یتیمی بر در ایستاد و نان خواست، کریمان نان به یتیم دادند و روز سوم، اسیری در زد و طلب نان کرد، ایثارگران خانه ی مولا، حضر به اسیر دادند تا این آیه در حق ایشان نازل شد.^{۱۶} (مبیدی: ۳۱۹ - ۲۳۰؛ سیوطی ۳۷۱-۳۷۴)

سنایی هم این اتفاقات را در بیت زیر جمع کرده است:

زان سه قرص جوین بی مقدار یافت در پیش حق چنین بازار

(سنایی: ۱۳۷)

خاقانی در ابیات زیر ممدوحان خود را در کرم و جود و سخا به امیرمؤمنان تشبیه کرده است:

منعم روی زمین کوست به عدل و سخا چون عمر و چون علی گرد جهان داستان
(خاقانی، ۱۳۸۲: ۳۵۲)

چو قحط کرم دید در مرز دهر علی وار تخم کرم کاشتش

(همان، ۸۹۱)

خورشید دلی و مشتری زهد احمد سیری و حیدر احسان

(همان، ۳۴۷)

فصلی در ابیات و عقاید اسلام اول، شماره اول، پائیز ۱۳۸۵

پی‌نوشت‌ها:

۱. درباره‌ی دیگر کنیه‌ها و وجه تسمیه‌ی بوتراب رک: كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۹۰.
۲. درباره‌ی دیگر القاب امیرالمؤمنین ر.ک: همان، ص ۱۹، و حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۱، ص ۶۱.
۳. در این مقاله کنیه‌ها و لقب‌ها با توجه به یاد کرد خاقانی از آن‌ها نقل شده است.
۴. درباره‌ی ناکنین و قاسطین و مارقین ر.ک: كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۷۱.
۵. در کتاب دو سیمای شیر یزدان در حدیقه الحقیقه توضیحات مفصل تری درباره‌ی زندگی امام علی (ع) نقل کرده‌ایم، ص ۱۳-۳۵.
۶. بعضی‌ها شروانشاهان را به جهت انتساب آنان به یزیدبن یزید شیبانی (متوفی ۱۸۵هـ.ق)، که از طرف هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳هـ.ق)، والی ارمنستان و آذربایجان و شروان و در بند بود آل یزید و با یزیدیان گفته‌اند.
۷. برای ملاحظه‌ی تصویرهای دیگر، ر.ک: دیوان، صص ۵۴، ۲۰، ۷۶، ۱۱۲، ۱۲۶، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۰۳، ...
۸. هر دو روایت را در کتاب «سیمای شیر یزدان در حدیقه الحقیقه» نقل کرده‌ایم، ص ۱۴.
۹. کنیه‌های امام (ع) عبارت بوده‌اند از: ابوالحسن، ابوالحسین، ابوالریحانین و ابوتراب.
۱۰. در کنز العمال به صورت «علی‌عسوب المؤمنین و المال‌عسوب الکفار»، ج ۱۱، ص ۶۰۴.
۱۱. حیاة الحیوان الکبری، کمال‌الدین محمدبن موسی دمیری، ج ۲، ص ۴۴۱.
۱۲. امیر صدقه بن منصور بن ابلیس بن مزید (مقتول در سال ۵۰۱هـ.ق) در سال ۴۷۹هـ.ق پس از مرگ پدرش امارت یافت.
۱۳. نهر صراة یکی از شعبات بزرگ رود فرات است که به موزات نهر عیسی در نزدیکی شهر انبار از فرات جدا می‌شده و در نزدیکی بغداد به دجله می‌ریخته است.
۱۴. خاقانی در قطعه‌ای مدعی شده است که هشت نفر صدیق در یک هفته و در خواب‌های مختلف رسول خدا را دیده‌اند که نظر عنایتی به سوی خاقانی می‌کند و امیرالمؤمنان را فرد سوم این رویا یاد کرده‌اند و در این بیت شاعر خویشتن را سگ اصحاب کهف تصور می‌کند در کنار امام علی (ع) است.
۱۵. مراد از یزیدیان شروان شاهان هستند که پیش از این درباره‌ی آنان سخن گفته‌ایم.
۱۶. كشف الاسرار و عدّة الأبرار، ج ۱۰، صص ۳۱۹-۳۲۰. و سیوطی این حدیث را با شرحی مفصل تر نقل کرده و آن را از موضوعات شمرده است. اللئالی المصنوعه فی احادیث الموضوعه، ج ۱، صص ۳۷۱-۳۷۴.

فصلنامه تخصصی «انگوشه» ایدت و پژوهش‌های دانش‌پژوهان و محققان، شماره اول، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۵

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی الحدید، معتزلی، شرح نهج البلاغه.
۲. ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.
۳. ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ، کتاب الحیوان، به اهتمام عبدالسلام محمد هارون دار احیاء التراث العربی.
۴. اسحق بن محمد همدانی، ترجمه، سیرت رسول الله، بنیاد فرهنگ ایران.
۵. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، قم، مؤسسه دارالکتاب، ایران، بی تا.
۶. اصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت، دارالکتاب العربیة.
۷. امیر المؤمنین علی علیه السلام نهج البلاغه، ترجمه و تحقیق فیض الاسلام.
۸. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، ۷ مجلد بیروت، دارالکتاب العلمیة.
۹. جزری، ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار بیروت و دار صادر ۱۹۶۵.
۱۰. خاقانی شیروانی، افضل الدین بدیل، دیوان مصحح دکتر ضیاء الدین سجادی، چاپ هفتم، زوار، تهران، ۱۳۸۲.
۱۱. دمیری، کمال الدین محمد بن موسی، حیاة الحیوان الکبری، قم، منشورات رضی.
۱۲. رازی، تفسیر شیخ ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چاپ آستان قدس.
۱۳. روایت ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری، مناحل الشفاء و مناهل الصفا به تحقیق کتاب شرف المصطفی دارالبشائر الاسلامیة.
۱۴. زواره‌ای، علی بن حسین، ترجمه المناقب، نشر ادب الحوزه و کتابفروشی اسلامیة.
۱۵. سترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه‌ی محمود عرفان، ترجمه و نشر کتاب.

